**5شنبه 18/2/1404 – 11ذیقعده 1446-8مه 2025-درس 35**

 منابع انسانی ،مادی و فکری بی فائده گرو های سازمانی ناصالح

 راور کرمان

[سوره الأنعام (6): آيات 94 ]

وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادى‏ كَما خَلَقْناكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ وَ ما نَرى‏ مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (94)

همانطورى كه اول بار شما را آفريديم، تنها نزد ما آمده‏ايد و اموالى كه بشما داده بوديم پشت سر گذاشته‏ايد و شفيعانى را كه گمان مى‏كرديد آنها هم در كار شما با ما شريكند، با شما نيستند. امروز ميان شما جدايى افتاده و آنچه مى‏پنداشتيد، تباه شده است.

بيان آيه 94

قرائت‏

بينكم: اهل مدينه و كسايى و حفص اين كلمه را به نصب و ديگران برفع خوانده‏اند- رفع آن بنا بر اين است كه اسم و فاعل «تقطع» باشد و نصب آن بنا بر اين است كه ظرف باشد و فاعل «تقطع» يا ضمير مستتر است يا اينكه خود «بينكم» است كه در عين فاعل بودن به نصب و ظرفيت خود باقى مانده. مثل‏ «يَوْمَ الْقِيامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ» (ممتحنه 3) در اين آيه نيز فاعل ظرف است.

لغت‏

فرادى: اين كلمه جمع فرد و فريد و فِرد است.

تخويل: عطا كردن. اصل اين كلمه بمعناى بخشيدن خَول يعنى غلامان و كنيزان است.

زعم: پندار. ممكن است پندار حق باشد يا پندار باطل. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يقول هلكنا ان هلكت و انما |  | على اللَّه ارزاق العباد كما زعم‏ |
|  |  |  |

يعنى: مى‏گويد: اگر هلاك شوى، هلاك مى‏شويم. همانا روزيهاى بندگان چنان كه او پنداشته است، بر خداست.

بين: مصدر، يعنى جدا شدن يا متفرق شدن. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بان الخليط برامتين فودعوا |  | او كلما ظعنوا لبين تجزع‏ |
|  |  |  |

يعنى: قوم در رامتين از هم جدا شدند و با يكديگر وداع كردند. آيا هر گاه بخواهند از هم جدا شوند، بى‏تابى خواهند كرد؟!

اعراب‏

فرادى: حال‏ ما خَوَّلْناكُمْ‏: موصول و صله، مفعول «تركتم»

شان نزول‏

عكرمه گويد: اين آيه درباره نضر بن حرث بن كلده نازل شد كه مى‏گفت:

لات و عزى مرا شفاعت خواهند كرد!

مقصود

وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادى‏ كَما خَلَقْناكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، برخى گفته‏اند: اين جمله، سخن خداوند است كه هنگام مرگ، يا هنگام زنده شدن در روز قيامت به آنها مى‏گويد. برخى هم گفته‏اند: سخن فرشتگان است كه در دم مرگ به آنها كه قبض روحشان مى‏كنند، مى‏گويند. بهر حال به آنها گفته ميشود: تنها و با دست تهى نزد ما آمده‏ايد. مانند روزى كه شما را در رحم مادر آفريديم، ياورى و كمك دهنده‏اى نداريد. اكنون نه ثروتى داريد و نه فرزندى. نه غلام و كنيزى داريد و نه يار و ياورى! برخى گويند: يعنى يكى يكى نزد ما آمده‏ايد. برخى گويند: يعنى هر يك از شما از رفقاى بى‏ايمان و گمراه خود جدا هستيد.

برخى گويند: معناى اين آيه، همان است كه پيامبر فرمود: در روز قيامت، پا برهنه و عريان محشور خواهند شد. در روايت است كه عايشه وقتى اين مطلب را شنيد، گفت: چه دشوار است! آيا مردم بعورت يكديگر نگاه مى‏كنند؟! فرمود:

در آن روز هر كس بخودش مشغول است! زجاج گويد: يعنى زنده شدن در روز قيامت، مثل آفرينش شماست.

وَ تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ‏: اموالى كه در دنيا به شما داده بوديم و شما به آن افتخار و مباحات مى‏كرديد، پشت سر گذاشتيد و با بار گناه نزد ما آمديد. اكنون از آن مالها ديگران استفاده ميكنند و شما گرفتار كيفر هستيد! زهى بدبختى و حسرت! وَ ما نَرى‏ مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكاءُ: آن بتهايى كه گمان مى‏كرديد در كار و سرنوشت شما با ما شريكند و شما را در روز قيامت، در پيشگاه خداوند شفاعت مى‏كنند، همراه شما نيستند. امروز مى‏بينيد كه پرستش بتها براى شما هيچگونه نفعى ندارد و هر چه رشته‏ايد، پنبه شده و هر چه گفته‏ايد، خطا بوده است.

اين آيه اختصاصى به اهل شرك ندارد. بطور كلى هر كس كه غير خدا را بپرستد و از او اميد خير داشته، و به او اعتماد كند و از زيانش بترسد، در اين آيه داخل است.

لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ‏: اكنون پيوندها و سلك جمعيت شما گسسته شده، ارتباطها و نسبت‏ها قطع شده است و هر كس گرفتار كار خويش است.

وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ‏: پندار شما تباه شد. اكنون نمى‏دانيد بتها كه آنها را پيش خدا شفيع خود مى‏دانستيد، كجا هستند و عبادت شما آنها را سودى ندارد. برخى گويند: يعنى پندار شما نسبت به اينكه قيامت و حساب و كتابى نيست، بر باد رفت.

اين آيه مردم را تشويق مى‏كند كه بدنبال كارهاى نيك كه موجب نجات و رستگارى آنها مى‏شود، باشند نه بدنبال مال كه سرانجام مى‏گذارند و مى‏روند و بعد از مرگ نفعى از آن نمى‏برند[[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

 منابع انسانی ،مادی و فکری بی فائده گرو های سازمانی ناصالح

 گروه ها ، فراکسیو نهای سازمانی وباند ها و.. که روی اهداف مقطعی و منفعتی با هم جمع میشوند و نیت خیری هم ندارند فقط برای تخریب ،قدرت طلبی و پادویی برای رقبای اصلی روی کار می آیند دوستی های موقتی دارند تا جایی با هم هستند بعد یکدیگر را تنها میگذارند و از پشت هم در محاکم و مجامع در نمی آیند و از پشت به هم خنجر هم میزنند. و اگر هم کاری صورت گرفته باشد که نتیجه مطلوب ندارد تقصیر یک دیگر میگذارند هر کدام تنها و جدا گانه پاسخ گو و محاکمه میشوند وَ ***لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادى***‏ ***كَما*** ***خَلَقْناكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ*** و بودجه ها و اموال و رانت ها که از طرق نامشروع بدست می آمدند رشوه ها هدایا باج ها و... که سفید شویی میشدند همه را مصادره شده یا تصرف شده یا تقسیم شده می بینند که حالا بدرد نمی خورند و گرهی نمیگشایند نمیتوان آنها را به رشوه دیگری بدل کرد در محکمه عدالت و پاسخگویی و مسئولیت وَ ***تَرَكْتُمْ ما*** ***خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ*** نه تنها منابع مالی بدردی نمیخورند که منابع انسانی و رفقای نیمه راه هم امروز هر کدام به کار خویش مشغول است و بدرد دیگری وشما نمیرسند شفیع شما و جفت و همگروه و هم تیم شما بودند ولی اکنون هیج شراکت وشفاعتی با شما ندارند و از شما دفاع نمیکنند وشما هم از آنان دفاع نمی کنید ***وَ ما نَرى‏ مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ*** ***الَّذِينَ*** **زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ** ***فِيكُمْ شُرَكاءُ*** کاملا بین شما قطع رابطه شده است هر کس به فکر خویش است دوستی و شراکت بر اساس تقوی نبوده است بر اساس نیکی نبوده است بر اساس عدوان و اثم وتبهکاری و خرابکاری بوده است بر اساس قدرت طلبی و جاه طلبی و کامجویی بوده است ***لَقَدْ*** ***تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ*** نه تنها منابع و منافع مادی و مالی و منابع انسانی بدردی نمی خورند بلکه افکار آراء و اندیشه ها و برنامه ها و نقشه ها و ..یعنی منابع فکری و اندیشه ای هم از یاد رفته و گم شده و بدرد نمیخورند وبه استدلال و دفاعیه و داد خواست و کیفر خواست و.. بدل نمیشوند راهی برای نجات شما نمیشوند همه تباه شده است مثل خودتان ***وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (94)***

 نتیجه : منابع مالی ،انسانی و فکری و... که اساس مشارکت ها تعاونی ها فراکسیون ها ی غیر رسمی سازمانی برای تخریب رهبری سازمانی اسناد عالی آن و نیز تخریب منابع شایسته قرار داشت طبق سنت الهی و راهبر د های مستمر ربوبی همه تا جایی کوتاه بدر هم می خورند ولی چون اساسا بر بغی و گناه فراهم آمده بود و به محض رسیدن به اهداف خیالی و کوتاه مدت و منفعت جویی های مقطعی به یک باره دچار انفصال و انکسار و انقطاع میشود و در مقام مسئولیت وپاسخگویی فائده و بازده ای نخواهند داشت (والله العالم )

برای مطالعه :

[سوره الأنعام (6): آيات 95 تا 98]

إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى‏ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (95) فالِقُ الْإِصْباحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً ذلِكَ ت

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)